

تبیین شرط عدم رقابت در قراردادهای فوتبال در پرتو موازین حقوق ایران و مقررات بین‌المللی
کیمیا جهانیان (نویسنده مسئول)
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
kimia.jahanian1377@gmail.com
امیرساعد وکیل
استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
vakil.a@ut.ac.ir
امیر شایگانفر
استادیار، پژوهشکده شهر دانش، گروه حقوق، تهران، ایران.
Amirshayeganfar20@yahoo.com

چکیده

شرط عدم رقابت به‌عنوان یکی از شروط متعارف در قراردادهای ورزشی بین‌المللی، همواره چالش‌های حقوقی متعددی را در پی داشته است. این شرط که به‌موجب آن، ورزشکار یا مربی متعهد می‌گردد پس از انقضای قرارداد، برای مدتی معین و در محدوده جغرافیایی مشخص، از فعالیت در باشگاه‌های رقیب امتناع ورزد، از یک سو ابزاری جهت صیانت از منافع مشروع و سرمایه‌گذاری‌های باشگاه‌ها محسوب شده و از سوی دیگر، با اصل بنیادین آزادی اشتغال در تعارض قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و واکاوی رویه قضایی، به بررسی تقابل شرط عدم رقابت با آزادی اشتغال در بستر قراردادهای ورزشی بین‌المللی پرداخته است. یافته‌های پژوهش مبین آن است که اگرچه در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله حقوق ایران، این شرط با تمسک به قواعد عمومی قراردادها و موادی نظیر ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۱ و ۲۲۳ قانون مدنی واجد اعتبار است، اما تنفیذ آن در حوزه ورزش به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد این صنعت، از جمله کوتاهی دوران حرفه‌ای و وابستگی متقابل ذی‌نفعان، با حساسیت‌های ویژه‌ای همراه است. رویه قضایی دیوان دآوری ورزش (CAS) در آرای متعددی نظیر پرونده‌های: موتو، رانبری و هاینزه و...، معیارهایی همچون معقولیت محدودیت، تناسب زمانی و مکانی، ضرورت جبران خسارت عادلانه و توازن منافع طرفین را ارکان اعتبار این شرط قلمداد کرده است. در نهایت، پژوهش به این نتیجه رهنمون می‌گردد که شرط عدم رقابت صرفاً در صورتی نافذ است که ضمن رعایت اصل تناسب، با جبران مالی مقتضی همراه بوده و منجر به سلب کلی آزادی اشتغال یا محرومیت نامتعارف ورزشکار از فعالیت حرفه‌ای نگردد.

واژگان کلیدی:

شرط عدم رقابت، آزادی اشتغال، قراردادهای ورزشی بین‌المللی، دیوان دآوری ورزش، حقوق ورزش.

An Analysis of Non-Competition Clauses in Football Contracts in Light of Iranian Law and International Regulations

Abstract

The non-compete clause, as a common provision in international sports contracts, has given rise to various legal challenges. Under this clause, an athlete or coach undertakes, for a specified period and within a defined geographical area, not to engage in professional activities with competing clubs after the expiration of the contract. While this clause serves as a mechanism for protecting clubs' legitimate interests and investments, it may also conflict with the fundamental principle of freedom of employment. Adopting a descriptive-analytical approach based on library research and an examination of judicial practice, this study investigates the tension between non-compete clauses and freedom of employment in the context of international sports contracts. The findings indicate that, although such clauses may be considered valid under various legal systems, including Iranian law, on the basis of general principles of contract law and Articles 10, 219, 221, and 223 of the Iranian Civil Code, their enforceability in the sports sector requires particular scrutiny due to the distinctive characteristics of the industry, including the limited duration of professional careers and the interdependence of stakeholders. The jurisprudence of the Court of Arbitration for Sport (CAS), including cases such as Mutu, Ranieri, and Heinze, highlights criteria such as the reasonableness of the restrictions, temporal and geographical proportionality, the need for fair compensation, and the balancing of the parties' interests in assessing the validity of such clauses. This study concludes that a non-compete clause should be enforceable only where it satisfies the principle of proportionality, is accompanied by appropriate financial compensation, and does not result in a complete deprivation of freedom of employment or impose an unreasonable restriction on an athlete's professional activities.

Keywords: Non-Compete Clause; Freedom of Employment; International Sports Contracts; Court of Arbitration for Sport (CAS), Sports Law.

۱- مقدمه

ماهیت قراردادهای ورزشی در نظام‌های حقوقی معاصر، با مفاهیم کلاسیکی همچون اجاره انسان یا قراردادهای ارائه خدمات شخصی پیوند خورده است. با وجود شباهت‌های ساختاری میان این عقود، قراردادهای ورزشی به سبب ماهیت فراملی و ویژگی‌های فنی خود، تحت حاکمیت قوانین خاص و نظام «لکس اسپورتیوا» قرار دارند (عباسیان، ۱۶: ۱۴۰۰).

در دنیای امروز که ورزش از یک فعالیت صرفاً سرگرم‌کننده به صنعتی استراتژیک برای اثبات اعتبار ملی و عرصه‌ای برای تبادلات مالی کلان تبدیل شده، فقدان آگاهی حقوقی نسبت به موازین حاکم بر این قراردادها می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون محرومیت‌های حرفه‌ای و الزام به جبران خسارات هنگفت را به همراه داشته باشد.

با افزایش اهمیت بُعد اقتصادی ورزش و گسترش رقابت‌های بین‌المللی، فعالان این عرصه به‌ویژه باشگاه‌ها، درصدد بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی جهت تثبیت جایگاه و صیانت از سرمایه‌گذاری‌های انسانی و مادی خود برآمده‌اند.

یکی از چالش‌برانگیزترین این شروط که با رویکردی پیشگیرانه وارد ادبیات قراردادهای ورزشی شده، «شرط عدم رقابت»^۱ است. به‌موجب این توافق، که دیوان عالی ایالات متحده در سال ۱۹۶۱ بر ماهیت تبعی و فرعی آن تأکید ورزیده، ورزشکار متعهد می‌گردد تا در بازه زمانی مشخص پس از پایان همکاری، از فعالیت در باشگاه‌های رقیب امتناع نماید. در حقوق فرانسه نیز، اگرچه برخی بر ضرورت استقلال این توافق تحت عنوان قرارداد عدم رقابت تأکید دارند، اما رویه قضایی این کشور از سال ۱۹۹۵، مشروعیت آن را تحت چتر حمایت از اسرار تجاری و مهارت‌های اختصاصی متعهدله به رسمیت شناخته است (رهبری و کاظمی، ۱۳۹۳: ۶۵).

با این حال، اعتبار و مشروعیت این شرط همواره محل تضارب آرا بوده است؛ چرا که محدودیت‌های ناشی از آن نباید به گونه‌ای اعمال شود که متعهد را از به‌کارگیری دانش و مهارت‌های عمومی خود محروم سازد.

علیرغم بررسی‌های دکترین حقوقی و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی، همچنان ابهامات و نقاط تاریکی در حقوق داخلی و بین‌المللی پیرامون جایگاه این شرط وجود دارد. خلأهای موجود در اجرا و به‌کارگیری این بند، غالباً منجر به تضییع حقوق طرفین و ایجاد چالش‌های جدی در صنعت ورزش می‌گردد، شایان ذکر است که اگرچه پژوهشگران متعددی در حوزه‌های حقوق کار و تجارت به بررسی قراردادهای عدم رقابت پرداخته‌اند، اما در عرصه حقوق ورزشی بین‌الملل، خلأ پژوهشی محسوسی وجود دارد. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تطبیقی و موشکافانه، در پی پاسخ به این پرسش کلیدی است که درج شرط عدم رقابت در قراردادهای ورزشی بین‌المللی بر اساس معیارها و رویه‌های موجود، تا چه میزان از وجاهت قانونی و مشروعیت برخوردار است؟

۱-۲. ماهیت حقوقی شرط عدم رقابت

تعریف قانونی شرط عدم رقابت در قالب توافقی است که متعهد در قرارداد تعهد می‌کند که در زمان‌های معین و تحت شرایط مشخص، از انجام فعالیت‌هایی که ممکن است رقابتی مستقیم با منافع متعهد له ایجاد کند، خودداری کند.

طرفی از قرارداد (معمولاً کارمند، بازیکن، یا مربی) تعهد می‌کند که پس از پایان قرارداد، به مدت زمان معین و در محدوده جغرافیایی مشخص، در فعالیت‌های ی که به ضرر کارفرما یا باشگاه منتهی می‌شود، مشارکت نکند. این شرط، ابزاری برای حفاظت از منافع اقتصادی و فنی کارفرما یا باشگاه محسوب می‌شود. با این حال، به دلیل محدودیتی که بر آزادی شغلی افراد اعمال می‌کند، همواره با چالش‌های حقوقی و اخلاقی مواجه بوده است. از این رو به جهت تضییقاتی که توافق عدم رقابت ایجاد می‌کند در نگاه نخستین به دیده شک بدان نگریسته می‌شود در حقوق غالب کشورها اصل اولیه بی اعتباری توافق مزبور است. (رهبری، ۱۳۹۷: ۴).

از منظر حقوق رقابت گاه طبع ضد رقابتی برخی از توافقات هویدا بوده و حسب ماهیت و آثار همواره تبعات ناگواری بر بازار داشته و بنیان رقابت را سست می‌کنند (شهیدی، ۱۲: ۱۳۸۱). و از این رو به طور قطعی باید چنین توافقاتی را ضد رقابتی و بی اعتبار انگاشت شرط عدم رقابت به‌عنوان یک دارایی اساسی در قرارداد ورزش تلقی می‌شود زیرا بسیاری از باشگاه‌ها در قبال مبالغ بسیاری از این

^۱ Non-compete clause

شرط خود صرف نظر می کنند این در حالی است که اگر باشگاه و شخص ورزشکار به این شرط پایبند نباشند خسارت های بسیاری سنگینی نسبت به ناقضان آن در نظر گرفته شده است از این رو بسیاری از محدودیت های مربوط به عدم رقابت از نوع محدودیت هایی است که قانون و قرارداد از آن پیروی می کند از این رو نقض قرارداد در این حوزه نیازمند طی تشریفات سختی برای انتساب نیست و به راحتی دادگاه ها این گونه تخلفات را مورد ارزیابی قرار داده و خسارت های آن را تخمین زده و جریمه های لازم را از باشگاه و بازیکن اخذ میکنند.

هر چند در بسیاری از موارد مشاهده شده است که دادگاه نسبت به اجبار بازیکن به انجام تعهدات قرارداد خود بی میل بوده است زیرا فعالیت های ورزشی از جمله مواردی است که روحیه بازیکن در آن نقش اساسی دارد و اگر بازیکن بخواهد در امری اجبار شود بالتبع نمی تواند آن موفقیت های لازم را برای یک تیم به دست آورد، علاوه بر این باید اذعان کرد که بسیاری از مسابقات ورزشی در زمان های مشخصی انجام می گیرد و از دست دادن هر یک از شانس های موجود در رابطه با این مسابقات ممکن است مدت مدیدی باشگاه را در رکود نگه دارد از این رو اهمیت و نقش بازیکن در فرایند رو به جلو باشگاه اهمیت بسیاری دارد. اجبار افراد جز در موارد قانونی و قراردادی در نظام حقوقی به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست کما اینکه ورزشکاران به دلیل حساسیت فعالیتی که دارند از این امر مستثنی نمی باشند. (میرعباسی، ۱۳۹۳)

۲-۲ سیر تطور و انواع شرط عدم رقابت

سیر تطور تاریخی شرط عدم رقابت از یک ممنوعیت مطلق در حقوق سنتی انگلستان آغاز شد، چرا که در آن دوران هرگونه توافقی که آزادی تجارت یا حق معاش فرد را محدود می کرد، به دلیل مخالفت با نظم عمومی و ترس از بی کاری صنعت گران، باطل و غیرقانونی تلقی می گردید. با وقوع انقلاب صنعتی و پیچیده تر شدن مناسبات تجاری، این نگاه سخت گیرانه جای خود را به «دکترین معقولیت» داد که طبق آن، اعتبار این شروط منوط به وجود توازن ظریف میان منافع مشروع کارفرما و آزادی اشتغال فرد شد. در نهایت، با حرفه ای شدن صنعت ورزش در عصر حاضر، این سیر تحول به نقطه ای رسید که اکنون این شرط نه به عنوان یک ممنوعیت ساده، بلکه به عنوان ابزاری برای حفاظت از ثبات قراردادی و سرمایه گذاری باشگاه ها شناخته می شود، هر چند که مشروعیت آن همواره در سایه اصول حقوق بشر و حق بر کار مورد بازبینی دقیق قضایی قرار می گیرد تا مانع از استثمار ورزشکاران شود.

سیر تحول شرط عدم رقابت به تغییرات حقوقی اقتصادی و اجتماعی مرتبط با قراردادهای کاری و تجاری بستگی دارد این شرط در ابتدا به عنوان ابزاری برای محافظت از منافع تجاری و حفظ اطلاعات حساس در برابر رقابت های داخلی و خارجی به وجود آمد. حقوق رقابت می تواند با کنترل اختیارات لیگ های ورزشی مانع تجارت خدمات بازیکن در بازار شود. درج یک شرط قراردادی که این امکان را از بازیکن برای استخدام در جای دیگری که ممکن است رقیب این لیگ محسوب شود می گیرد نیز در چارچوب حقوق رقابت قابل بررسی است. (وکیل و مظهری، ۱۴۰۱: ۹۹).

رویه هایی که بیشتر متمایل به آن هستند که از شمول قواعد رقابت خارج باشند ناظر بر آن دسته از موافقتنامه هایی است که اصالتاً به منظور نیل به هدف حفظ تعادل بین باشگاه ها منعقد می شوند و در ضمن برای حفاظت از درجه ای از برابری فرصت ها و غیر قطعی بودن نتایج رقابتها و همچنین تشویق به کارگیری و تربیت بازیکنان جوان مورد استفاده قرار می گیرند.

باید توجه داشت که باشگاه های ورزشی به منزله رقابتی تجاری یکدیگر نیستند. باشگاه ها به طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند. برای یک مسابقه به دو تیم نیاز است که در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و تعداد بیشتری تیم نیاز است تا یک لیگ تشکیل شود. همچنین رقابت تهاجمی برای کسب حق پخش رویدادهای ورزشی پرتعداد به عنوان مبنای توسعه سریع بازارهای جدید و دلیلی شده برای افزایش روند تجاری سازی ورزش در دوران اخیر است (Monti & Giorgio, 2007).

۳. انواع شرط عدم رقابت

انواع شرط عدم رقابت را می‌توان از زوایای مختلفی تحلیل کرد، اما به‌طور کلی این شروط بر اساس «زمان اجرا» و «موضوع محدودیت» به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۳-۱ شرط عدم رقابت با محدودیت زمانی^۲: این نوع شرط، فرد را از انجام فعالیت‌های رقابتی در یک صنعت خاص برای مدت معینی پس از ترک شغل یا قرارداد منع می‌کند. این مدت می‌تواند از چند ماه تا چند سال متغیر باشد و معمولاً در قرارداد ذکر می‌شود که فرد نمی‌تواند پس از ترک شغل تا مدت زمان مشخصی در شغل‌های مشابه یا رقابتی مشغول به کار شود. در این نوع شرط، مهم است که مدت زمان محدودیت معقول و منطقی باشد؛ زیرا اگر مدت زمان بیش از حد طولانی باشد، ممکن است از نظر حقوقی غیر قابل اجرا تلقی شود.

۳-۲ شرط عدم رقابت با محدودیت جغرافیایی^۳: این نوع شرط، فرد را از انجام فعالیت‌های رقابتی در یک منطقه جغرافیایی خاص منع می‌کند. این منطقه می‌تواند به اندازه یک استان، یک کشور یا حتی سطح جهانی باشد. این محدودیت معمولاً بستگی به نوع کسب و کار و دامنه جغرافیایی فعالیت شرکت دارد. محدودیت جغرافیایی باید منطقی باشد و مرتبط با بازار و فعالیت‌های شرکت باشد. به‌طور مثال، در صنایع محلی که فعالیتها محدود به یک منطقه خاص است، استفاده از محدودیت‌های جغرافیایی کوچک و محدود منطقی‌تر خواهد بود.

۳-۳ شرط عدم رقابت بر اساس نوع فعالیت^۴: در این نوع شرط، فرد فقط از انجام فعالیت‌های خاص یا شغل‌های مشابه که با شرکت قبلی وی رقابت می‌کنند، منع می‌شود. این نوع شرط معمولاً بیشتر در مشاغل تخصصی، مانند مشاوره، فناوری اطلاعات، پزشکی و حقوق، استفاده می‌شود. این شرط، تمرکز ویژه‌ای بر نوع فعالیت دارد و ممکن است فرد را از کار در برخی صنایع یا مشاغل خاص بازدارد، حتی اگر در همان حوزه جغرافیایی فعالیت کند.

۳-۴ شرط عدم رقابت ترکیبی^۵: در برخی مواقع، ترکیبی از محدودیت‌های زمانی، جغرافیایی و نوع فعالیت در یک شرط عدم رقابت قرار می‌گیرد. این نوع شرط معمولاً به‌طور دقیق‌تری فعالیتها و شرایطی را که فرد نمی‌تواند در آنها وارد شود، تعیین می‌کند. این نوع ترکیب، به‌طور معمول در قراردادهای شغلی با موقعیت‌های حساس یا برای مشاغل استراتژیک و کلیدی استفاده می‌شود. (مقدم، ۱۴۰۰: ۱).

هر یک از این انواع تنها زمانی در محاکم معتبر هستند که دارای «ماه‌ازای مالی مشخص» و «محدودیت زمانی و مکانی معقول» باشند، وگرنه از سوی مراجع بین‌المللی باطل اعلام خواهند شد.

۴- تحلیل تعارض شرط عدم رقابت با آزادی اشتغال

تحلیل تعارض میان شرط عدم رقابت و آزادی اشتغال در واقع صحنه تقابل میان دو اصل بنیادین حقوقی است لذا طبق اصل آزادی قراردادهای طرفین حق دارند بر سر محدودیت‌های خاص توافق کنند، اما از سوی دیگر، آزادی اشتغال به‌عنوان یک حق بنیادین در اسناد بین‌المللی (مانند میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی) و قانون اساسی کشورها شناخته شده که غیرقابل سلب است.

در این تعارض، شرط عدم رقابت نوعی «مانع قراردادی» ایجاد می‌کند که با توسل به احکام متفاوت به تشریح آنها می‌پردازیم.

² Time limit

³ Geographical restriction

⁴ Based on type of activity

⁵ combined

۱-۴. شرط عدم رقابت در تجارت بین الملل

به نظر می‌رسد که تحول در مفهوم و دامنه حقوق ورزش که تا حد زیادی مدیون احکام صادره از دیوان داوری ورزش است. از این حیث شاید بتوان حقوق ورزشی را تا حدی با حقوق بازرگانان یکی دانست، چرا که قسمت عمده و قابل توجهی از حقوق تجارت بین الملل در نتیجه آرای صادره از مراجع داوری در نتیجه اختلافات میان بازرگانان شکل گرفته و به خلق عرف بین المللی در این زمینه انجامیده است. (صفری اسفنجانی و گل پیرا، ۱۴۰۰: ۲۱).

لذا یکی از موضوعات مهم بازار تجارت، رقابت است. امروزه بر اثر سرعت ارتباطات رقابت بین تجار نیز جدی تر شده است و این موضوعی است که تجار را به تلاش بیشتر واداشته است چون در عرف تجارت از لحاظ منافع شخصی تاجر، هر قدر رقابت کمتر باشد، منافع تاجر بیشتر تأمین می‌شود زیرا داشتن بازار یکی از دغدغه های اصلی بازرگان است و قرارداد عدم تجارت یکی از راه هایی است که برای تجار این نگرانی را بر طرف می‌کند.

بنابراین قرارداد عدم تجارت یکی از قراردادهایی است که امروزه نقش مهمی را در روابط تجار و بازرگانان ایفا می‌کند، این امر به تقسیم منصفانه بازار و جلوگیری از تضاد منافع کمک می‌کند. (صفری اسفنجانی و گل پیرا، ۱۴۰۰: ۲۱).

۱-۱-۴ در حقوق ایران

قراردادهای خصوصی مطابق قانون ایران در دسته اعمال حقوقی و عقود قرار دارند. بر این اساس ماده (۱۸۳) قانون مدنی در تعریف عقد مقرر می‌دارد که عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در برابر یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد در قرارداد اراده کسانی که آن را واقع ساخته اند مهم ترین عامل ایجاد حق است که به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها معروف است و بیان می‌دارد که اشخاص می‌توانند قراردادها را به هر صورتی که مایل باشند تنظیم کنند در مواردی که تعهد متعهد به وسیله است مسئولیت قراردادی بر مبنای تقصیر متعهد ایجاد می‌شود و متعهد له باید ثابت کند که او در تأخیر یا عدم اجرای قرارداد مقصر بوده است. ولی در قراردادهایی که متعهد حصول نتیجه معینی را پذیرفته است عدم حصول آن نتیجه برای او مسئولیت ایجاد می‌کند اگر چه تقصیری مرتکب نشده باشد. در قانون ایران تعهد ورزشکاران تعهد به وسیله بوده و مسئولیت آنان بر این اساس مبتنی بر تقصیر است

(قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۲۱).

در حقوق ایران هر چند نص خاصی در این مورد وجود ندارد و رویه قضائی نیز ساکت است ولی می‌توان از عموماً ادله و مواد ۲۱۹ و ۲۲۱ و ۲۲۳ قانون مدنی صحت اعمال این شرط عدم رقابت را مدنظر قرار داد. اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است.

در نتیجه با توجه به این که قرارداد عدم تجارت، تعهد به عدم انجام امری است اطلاق ماده مذکور شامل آن می‌گردد و قرارداد نافذ است. از طرف دیگر از ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز که هر قراردادی را لازم دانسته است مگر این که دلیل قانونی بر جواز یا وجود خیار اقامه شود می‌توان اثبات صحت کرد زیرا لزوم هر قراردادی، فرع بر نفوذ و صحت آن است.

اما به نظر می‌رسد با توجه به اصل بیست و هشتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند... می‌توان گفت دلیل دلالت کننده بر فساد و بطلان، اصل بیست و هشتم قانون اساسی است علاوه بر این ها در قانون ایران مانند سایر کشورها تعیین قلمرو مکانی و زمانی و شغلی مشخص و منافع عقلایی مهم است.

از این رو برای تطبیق اصولی و صحیح اعمال شرط عدم رقابت در حقوق ایران با سایر قوانین، باید با وحدت ملاک از ماده ۵۱۴ قانون مدنی، نافذ بودن این شرط را درنظر داشت لذا انجام ندادن فعالیتی که مدنظر در قرارداد می‌باشد با اعمال شرط عدم رقابت، تمامی ابعاد آن باید مشخص شود. همچنین لازم به ذکر است در خصوص رابطه ی شرکت با مدیر در حقوق تجارت ایران ماده ۱۳۳ لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت به عدم رقابت مدیر با شرکت سهامی با اوصافی اشاره دارد که مبنای منع رقابت مدیر با شرکت در حقوق

ایران در این است که با توجه به شخصیت حقوقی مستقل شرکت تجاری از زاویه رابطه مدیر و شرکت، او وکیل شرکت است (کاویانی، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۶۰) و در نتیجه امین آن محسوب می‌شود.

(پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۷۹). بنابراین باید در راستای مصلحت شرکت عمل کند و رقابت او با شرکت عملی برخلاف مصلحت آن است. به این ترتیب مبنای منع پیش بینی شده در این ماده منافات داشتن آن با رابطه امانی مدیر با شرکت و در واقع حمایت از حقوق آن است (جنیدی و اکبریان طبری، ۱۳۹۷: ۱۹).

لازم به ذکر است در حقوق ایران لزوم شرط وجود منافع قراردادی را برای صحت شرط عدم رقابت از ماده ۲۱۵ قانون مدنی نیز قابل استنتاج است، زیرا ماده مذکور مقرر می‌دارد که بیع چیزی که منفعت عقلایی ندارد باطل است مفهوم مخالف حکم مذکور این است که بیع چیزی که منفعت عقلایی دارد نافذ است با الغاء خصوصیت از بیع می‌توان گفت که موضوع هر قراردادی باید منفعت عقلایی داشته و در صورتی که منفعت عقلایی نداشته باشد قرارداد مذکور باطل است.

در نتیجه در حقوق ایران نیز وجود منفعت قراردادی برای صحت قرارداد عدم تجارت ضروری است (حیدرزاده و حاجی مینه، ۱۳۹۸: ۴۸).

همانا پیوند توافق عدم رقابت با روابط دیگر انکارناپذیر است اما این امر با بنیان‌های تجارت ازاد منافات داشته و مجال رشد فضای رقابتی را نیز سلب می‌کند. مشروعیت شرط عدم رقابت باید متکی به حفاظت از منافع خاصی باشد.

۲-۱-۴ در حقوق کار

در مقایسه قراردادهای ورزشی و علی‌الخصوص فوتبال با سایر قراردادها باید اذعان داشت که قرارداد کار نقش پررنگ تری دارد یکی از قراردادهایی که به ظاهر با قراردادهای ورزش مشابهت‌های فراوانی دارد قرارداد کار است در ابتدا نقاط اشتراک دو قرارداد سپس نقاط افتراق این دو بیان می‌شود. (اصغریان و سربها، ۱۳۹۹: ۱۶).

۴-۱-۲-۱ نقاط اشتراک:

از جهت تعریف در تعریف حقوق کار گفته شد حقوق کار بر همه روابط ناشی از انجام کار که به تبعیت دیگری صورت می‌گیرد حاکم است؛ (دافچاهی، ۱۴۰۲: ۳۲) مشروط بر این که اجرای کار با تبعیت یک طرف نسبت به طرف دیگر همراه باشد با توجه به آن چه در خصوص موضوع قرارداد ورزشی گفته شد؛ این تعریف شامل قرارداد ورزشی نیز می‌شود زیرا بازیکن برای دیگری کار می‌کند و از باشگاه در راستای اجرای تعهداتش تبعیت حقوقی دارد (رهبری و کاظمی آهویی، ۱۳۹۳: ۶۵).

از جهت ارکان قرارداد ورزشی از جهت ارکان به ویژه موضوع قرارداد شباهت زیادی به قرارداد کار دارد. موضوع قرارداد ورزشی فوتبال عبارت است از اعمال مهارت تکنیک و قوای جسمی و فکری در مسابقات و تمرینات و در یک کلام در اختیار گذاشتن نیروی جسمی و فکری به باشگاه موضوع قرارداد کار نیز چیزی جز این نیست.

از حیث معیار تشخیص معیار تشخیص قرارداد کار از قرارداد اجاره اشخاص تبعیت حقوقی کارگر از کارفرما می‌باشد. این معیار در مورد بازیکن نیز وجود دارد؛ به این نحو که بازیکن در تمامی مراحل اعم از تمرین ساعات تمرین مسابقات تعطیلات مرخصی‌ها و حتی تغذیه و غیره تابع نظر و مقررات باشگاه می‌باشد این تبعیت تا حدی است که بازیکن در نحوه اعمال مهارت تکنیک و قوای جسمی و فکری اش نیز تابع نظر باشگاه می‌باشد (اصغریان و سربها، ۱۳۹۹: ۱۶).

بسیاری از آثار قرارداد ورزشی فوتبال تنها بر اساس قوانین کار و تأمین اجتماعی قابل توجیه است؛ مثال: باشگاه موظف است بازیکن را در برابر فوت سوانح صدمات نقص عضو و هرگونه بیماری ناشی از مسابقات یا تمرینات و یا هنگام مسافرت‌های داخل و خارج از کشور بیمه کننده کلیه باشگاه‌های لیگ برتر موظف به بیمه درمانی کردن کامل بازیکنان و مربیان طرف قرارداد خود هستند همچنین باید گفت باشگاه‌ها وظیفه دارند در ایام بیماری یا مصدومیت دستمزد کارکنان را پرداخت کنند. (اسکو و شجاعی، ۱۳۹۴)

۴-۱-۲-۲ نقاط افتراق:

از جهت مقررات حاکم قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد کار عمدتاً قوانین عادی هستند که به وسیله قوه مقننه وضع می‌شوند؛ از جمله این قوانین می‌توان به قانون کار ۱۳۶۹^۶ به عنوان مهمترین منبع حقوق کار در ایران نام برد اما مقررات حاکم بر قراردادهای ورزشی غالباً آیین نامه‌هایی است که در فدراسیون‌های ورزشی فوتبال تدوین شده و به تصویب می‌رسد. قرارداد کار عقدی رضایی است در صورتی که قرارداد ورزشی عقدی تشریفاتی است. کارفرما در قرارداد کار اعم از شخص حقوقی و شخص حقیقی اما در قرارداد ورزشی مخصوصاً فوتبال کارفرما همیشه شخص حقوقی است. (دافچاهی، ۱۴۰۲: ۳۲).

بسیاری از منابعی که برای حقوق کار وجود دارد در مورد قرارداد ورزشی موضوعیت پیدا نمی‌کند. هدف عمده مقنن از تصویب قوانین کار حمایت از طبقه کارگر در مقابل کارفرمایان بوده است در حالی که هدف از تصویب قوانین و مقررات ورزشی اعم از آیین نامه‌های نقل و انتقالات و انضباطی برقراری نظام و انضباط بین باشگاه‌ها و بازیکنان می‌باشد؛ بنابراین به سختی می‌توان حمایتی بودن این مقررات را پذیرفت.

هر چند برخی از مواد آیین نامه‌ها به بیان وظایف متقابل باشگاه‌ها و بازیکنان اختصاص یافته و حقوقی چند به نفع بازیکنان مقرر کرده است اما بسیاری از ابزارهای حمایتی رایج در قانون کار اصلاً در این مقررات پیش بینی نشده است؛ مثل حداقل دستمزد حداکثر ساعات کار حقوق بازیکنان هنگام مسافرت، بازنشستگی حق اعتصاب از کارافتادگی و.... در ادامه قراردادهای کار حسب مورد رابطه‌ی میان کارفرما و مستخدم، گاه متضمن شرط عدم رقابت هستند که مشروعیت آن با چالش‌های زیادی مواجه است. (صادقی و دیندار، ۱۴۰۱: ۱۱۱).

در واقع به عنوان یک پیمان، قرارداد کار تفاوت‌های کم و بیش با دیگر قراردادها دارد؛ زیرا در آن ارزشهای بشری جلوه‌ی خاصی داشته و توافق وسیله کسب معاش است که از منظر اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد و بالطبع توافق عدم رقابت نیز متأثر از این وضعیت کم و بیش پیچیده است.

افزون بر این، کارفرما اطلاعات محرمانه را در اختیار آن‌ها می‌گذارد تا بتواند فعالیت تجاری خود را مدیریت کرده و تداوم بخشد. با این حال وی همواره در این نگرانی به سر می‌برد که افراد مزبور خواستار جدایی از کارفرما و بنیان‌گذاران بنگاه مستقل یا پیوستن به رقبا شوند (Pengilley & warren, 1994).

اما از سوی دیگر با عنایت به تضییقاتی که شرط عدم رقابت بر وضعیت شغلی و معیشتی مستخدم می‌گذارد، کارفرما در به کارگیری آن مطابق میل خود آزاد نیست و در بایستگی احراز معقولیت محدودیت‌های وارده حسب کارکرد و هدف شرط عدم رقابت، تردیدی وجود ندارد (رهبری، کاظمی آهویی، ۱۳۹۳: ۱۲).

۴-۲ معیارهای مشروعیت و تحدید آزادی قراردادی

رویه‌هایی که بیشتر متمایل به آن هستند که از شمول قواعد رقابت خارج باشند ناظر بر آن دسته از موافقتنامه‌هایی است که اصالتاً به منظور نیل به هدف حفظ تعادل بین باشگاه‌ها منعقد می‌شوند و در ضمن برای حفاظت از درجه‌ای از برابری فرصت‌ها و غیر قطعی بودن نتایج رقابت‌ها و همچنین تشویق به کارگیری و تربیت بازیکنان جوان مورد استفاده قرار می‌گیرند. چنین ملاحظاتی با خصوصیات ورزش سازگار است و هیچ جایی در اغلب بخش‌های اقتصاد ندارد و باید توجه داشت که باشگاه‌های ورزشی به منزله رقابتی تجاری یکدیگر نیستند. باشگاه‌ها به طور متقابل به یکدیگر وابسته هستند. برای یک مسابقه به دو تیم نیاز است که در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و تعداد بیشتری تیم نیاز است تا یک لیگ تشکیل شود. همچنین رقابت تهاجمی برای کسب حق پخش

قانون فوق که در تاریخ دوم مهر ماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و موادی از آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته است، در جلسات متعدد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و با اصلاح و تنظیم بعضی از مواد آن به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

رویدادهای ورزشی پرتعداد به عنوان مبنای توسعه سریع بازارهای جدید و دلیلی شده برای افزایش روند تجاری سازی ورزش در دوران اخیر است (Giorgio & monti, 2007).

مساله ای که در اینجا قابل طرح است این می باشد که چگونه می توان مشروعیت محدودیت هایی که از طرف لیگ های ورزشی در ارتباط با رقابت بین بازیکنان در ارائه خدمات اعمال می شود را سنجید. برخی از محدودیت ها ذاتاً، قانونی هستند ولی محدودیت هایی که وسیع تر از حد ضروری حمایت از منافع مشروع هستند را باید غیر معتبر دانست. دادگاه های انگلستان به وضوح اعلام کرده اند که محدودیت های کاری باید همراه با توجیه مشروع باشد و نفع عمومی تعیین می کند آیا منافع مورد ادعای کارفرما مشروع بوده اند یا خیر در همین راستا قانون شرمین در آمریکا به نحو موسعی اشعار می دارد که هر قراردادی که اثر ایجاد مانع در تجارت یا بازرگانی بین ایالات یا کشورهای خارجی مختلف را داشته باشد باید غیر قانونی اعلام گردد (friedman & Thomas: 1976).

اقتضای عدالت ایجاب می کند که طرفین یک قرارداد، ایفای تعهدات خویش را منوط به ایفای تعهد طرف مقابل بنمایند و ابزاری چون حق فسخ یا حق مطالبه خسارت را به عنوان ضمانت اجرا برای شخص زیان دیده از این قراردادها در نظر بگیرند. در قراردادهای ورزشی بررسی مسئولیت، مسئله ای بسیار مهم و پیچیده است؛ زیرا می تواند مسئولیت اشخاص را در این عرصه مشخص و تعیین کند و متخصصان در این قلمرو را برای رفع و جلوگیری از بروز مشکلات این حوزه یاری دهد. طرفین قرارداد ورزشی و مسئولان در امر ورزش نباید با بی احتیاطی یا بی مبالائی، وظایف قانونی محوله خود را ساده و ناچیز در نظر بگیرند؛ زیرا کوچک ترین غفلت آنها منجر به ضررهای بزرگی همچون محرومیت از نعمت سلامت تا پایان عمر متضرر خواهد شد. بخشی از مسئولیت ها نیز در حقوق ورزشی متوجه اشخاص حقوقی است که با توجه به مسئولیت های قانونی و سودهای کلانی که از ورزش نصیب آنها می شود موظف به رعایت قانون در این عرصه هستند.

۵- رویه قضایی بین المللی

رویه قضایی در پرونده های ورزشی، به ویژه در آرای صادره از دیوان دآوری ورزش (CAS)، نشان دهنده یک رویکرد حمایتی-تعدیلی است که تلاش می کند میان ثبات قراردادی و پویایی حرفه ای ورزشکار تعادل برقرار کند. در این رویه، قضات بین المللی برخلاف دادگاه های عمومی، به «ویژگی های خاص ورزش» توجه ویژه ای دارند و شروط عدم رقابت را با معیار معقولیت می سنجند. (Lewis & Taylor: 2021).

۱-۵ تحلیل آرای مهم CAS در خصوص شرط عدم رقابت

تشریح آرای مهم در زمینه ی شرط عدم رقابت در دیوان دآوری ورزش شامل موارد ذیل میباشد:

۱-۱ پرونده اختلاف بین باشگاه چلسی و آدریان موتو

پرونده «آدریان موتو علیه باشگاه چلسی» یکی از جنجالی ترین و کلیدی ترین پرونده های تاریخ دیوان دآوری ورزش است که در دکتترین حقوق ورزش به عنوان نماد «نقض غیرموجه قرارداد» و «پیامدهای مالی سنگین آن» شناخته می شود. یکی از شاخص ترین آرای صادره از سوی دیوان دآوری ورزش که توازن میان «ثبات قراردادی» و «آزادی اشتغال» را به چالش کشید، پرونده مربوط به اختلاف باشگاه چلسی و آدرین موتو است.^۷ وقایع این پرونده از آنجا آغاز شد که در اکتبر ۲۰۰۴، تست دوپینگ آدریان موتو، مهاجم وقت باشگاه چلسی، از حیث مصرف ماده ممنوعه (کوکائین) مثبت اعلام گردید. در پی این رویداد، باشگاه

⁷ Cas/2008/a/1644

چلسی با استناد به نقض فاحش قرارداد، اقدام به فسخ یک جانبه قرارداد و اخراج بازیکن نمود. مبانی حقوقی و استدلال فیفا در این پرونده:

باشگاه چلسی با طرح دعوا در اتاق حل اختلاف فیفا^۸ خواهان دریافت غرامت به دلیل نقض قرارداد بدون دلیل موجه از سوی بازیکن شد. چلسی استدلال کرد که رفتار غیرقانونی بازیکن، تداوم قرارداد را ناممکن ساخته و معادل فسخ غیرموجه از سوی بازیکن است. فیفا در رأی تاریخی خود، موتو را به پرداخت ۱۷/۱۷ میلیون یورو غرامت محکوم کرد که بر مبنای ارزش مستهلک نشده حق انتقال و هزینه های جایگزینی بازیکن محاسبه شده بود.

واکاوی رأی دیوان دآوری ورزش

موتو با اعتراض به این تصمیم، پرونده را به CAS ارجاع داد. وی مدعی بود که این جریمه سنگین، عملاً حق اشتغال او را سلب کرده و نوعی «بردگی مدرن» است. با این حال، CAS در سال ۲۰۰۹ رأی فیفا را تأیید کرد. استدلال محوری دیوان بر این پایه استوار بود که:

بازیکن با رفتار ارادی و غیرقانونی خود، موجبات فسخ قرارداد را فراهم آورده است؛ لذا مسئولیت جبران خسارت بر عهده اوست. نکته حائز اهمیت در این پرونده برای پژوهش حاضر، اثر وضعی این رأی بر آزادی اشتغال موتو بود. طبق ماده ۱۷/۲ مقررات تعیین وضعیت فیفا، باشگاه جدیدی که بازیکن ناقض قرارداد را جذب کند، «مسئولیت تضامنی» در پرداخت غرامت خواهد داشت. لذا بسیاری از باشگاه ها از جمله یوونتوس، در مراحل بعدی این پرونده به دلیل هراس از درگیری در پرداخت غرامت ۱۷ میلیون یورویی، از امضای قرارداد با موتو واهمه داشتند *

۲-۱- پرونده کلودیو رانیری علیه باشگاه نانت

در کنار پرونده های مربوط به بازیکنان، رویه قضایی در حوزه مربیگری حرفه ای نیز بر صیانت از آزادی اشتغال تأکید ورزیده است. یکی از پرونده های مهم در این زمینه، اختلاف میان کلودیو رانیری، سرمربی سرشناس ایتالیایی، و باشگاه فرانسوی نانت است. این پرونده به وضوح مرز میان «حمایت از منافع مشروع باشگاه» و «تضییع غیرقانونی حق بر کار» را ترسیم میکند.

در قرارداد فیمابین رانیری و باشگاه نانت، شرطی ضمنی گنجانده شده بود که به موجب آن، مربی متعهد می گردید در صورت جدایی یا فسخ قرارداد، برای مدت زمان معینی (یک فصل فوتبالی) از پذیرش هرگونه پیشنهاد مربیگری در سطح اول فوتبال فرانسه، خودداری کند. هدف باشگاه از درج این شرط، جلوگیری از انتقال دانش فنی و استراتژیک رانیری به رقبای مستقیم در لیگ داخلی بود.

پس از جدایی رانیری از نانت در سال ۲۰۱۸، وی با استناد به نقض حقوق بنیادین شغلی، موضوع را مورد پیگیری قانونی قرار داد. استدلال محوری رانیری و تیم حقوقی او بر این پایه استوار بود که شرط مذکور، به دلیل «گستره وسیع جغرافیایی» (تمام لیگ ۱ فرانسه) و «عدم پیش بینی جبران مالی متناسب»، فاقد وجاهت قانونی است.

لذا در بررسی این پرونده، مرجع رسیدگی کننده با تأیید دکترین اعلام نمود که شرط مندرج در قرارداد رانیری «نامعقول» و «بیش از حد» است. و منجر به ابطال شرط شددلائل ابطال این شرط عبارت بودند از:

۱. فقدان تناسب: ممنوعیت فعالیت در کل سطح اول فوتبال یک کشور، برای مربی ای در سطح رانیری که تخصص او منحصرأ در فوتبال حرفه ای است، به معنای سلب کامل حق معاش تلقی می شود.

۲. عدم جبران مالی: باشگاه نانت مابه ازای مالی مشخصی را برای این «عدم فعالیت» در نظر نگرفته بود. طبق اصول حقوقی، نمی توان فردی را از اشتغال محروم کرد بدون آنکه خسارت ناشی از این محرومیت جبران شود.

⁸ DRC

پرونده رانیری ثابت کرد که حتی در بالاترین سطوح فوتبال حرفه‌ای، «اصل آزادی اشتغال» به‌عنوان یک قاعده آمره بر اراده قراردادی باشگاه‌ها تفوق دارد. این پرونده پیامی روشن به باشگاه‌ها بود که نمی‌توانند با درج شروط کلی، مانع از گردش نخبگان و فعالیت حرفه‌ای مربیان در بازار کار شوند.

۳-۱-۵ پرونده گابریل هاینزه علیه منچستریونایتد

در قلمرو قراردادهای ورزشی، گاهی محدودیت‌ها نه در متن قرارداد اصلی، بلکه در توافقات ثانویه و با هدف جلوگیری از تقویت رقبای مستقیم شکل می‌گیرند. پرونده گابریل هاینزه در سال ۲۰۰۷، نمونه‌ای برجسته از تقابل میان آزادی انتقال و مصالح استراتژیک باشگاه است.

هاینزه، مدافع وقت منچستریونایتد، خواهان جدایی از این تیم بود و نامه‌ای کتبی از باشگاه دریافت کرد که در آن قید شده بود: «در صورت ارائه پیشنهادی به مبلغ ۶/۸ میلیون پوند، بازیکن آزاد است باشگاه را ترک کند». با این حال، هنگامی که باشگاه لیورپول (رقیب دیرینه منچستریونایتد) این مبلغ را ارائه داد، باشگاه منچستر با انتقال مخالفت کرد. استدلال باشگاه این بود که نامه مذکور شامل انتقال به رقبای مستقیم در لیگ برتر نمی‌شود.

اگرچه این پرونده در ابتدا در هیئت منصفه لیگ برتر بررسی شد، اما اصول حقوقی مستخرج از آن در CAS نیز منعکس گردید. بر اساس این رویه، شروطی که آزادی بازیکن را محدود می‌کنند، باید صریح، بدون ابهام و دارای دلیل مشروع باشند. در این پرونده، دادخواهی هاینزه برای پیوستن به لیورپول رد شد (چرا که نیت باطنی طرفین بر عدم تقویت رقیب متمرکز بود)، این پرونده نشان داد که شرط عدم رقابت، حتی اگر به صورت ضمنی باشد، باید با اصل حسن نیت سازگار باشد و نمی‌تواند به ابزاری برای محصور کردن بازیکن در یک بن‌بست حرفه‌ای تبدیل شود.

بخش دیگری از آزادی اشتغال در ورزش، در قالب «حق بر شرکت در مسابقات بین‌المللی» تجلی می‌یابد. در اینجا، حق دسترسی به دادرسی منصفانه به‌عنوان پیش‌شرط تحقق حقوق مهارتی مطرح است. اگر حق ورزشکار در نهادهای داخلی (فدراسیون‌های ملی) تضییع شود، دیوان دوری ورزش به‌عنوان مرجع نهایی، تضمین‌کننده فرصت منصفانه برای استماع ادعاها خواهد بود.

۴-۱-۵

۱. پرونده عبدالله السعید

در قرارداد انتقال بازیکن از عربستان به مصر شرطی وجود داشت که مقرر می‌کرد بازیکن برای سه فصل فوتبالی نمی‌تواند به باشگاهی در مصر فروخته یا قرض داده شود. برای نقض این شرط نیز مبلغ ۲ میلیون دلار به‌عنوان خسارت قراردادی تعیین شده بود. بازیکن بعداً قراردادش را با باشگاه سعودی با توافق طرفین خاتمه داد و با مصر قرارداد بست.

اما عربستان ادعایی مبنی بر عدم حضور بازیکن در مصر داشت

در نهایت دیوان حکمیت ورزش نسبت به این شرط مورد بحث که ممنوعیت انتقال یا قرض دادن بازیکن به باشگاهی در مصر برای سه فصل بود و ضمانت اجرای آن تصمیم گرفت و طبق منابع حقوقی منتشرشده، شرط و جریمه مورد بحث را در قالب محدودیت

⁹ Abdallah El Saeed v. Egyptian Sports Settlement and Arbitration Centre & Others

تجاری^{۱۰} بررسی و قابل اجرا ندانست. بنابراین این پرونده را می‌توان مستقیماً ذیل عنوان اعتبار شرط عدم رقابت و محدودیت ازادی اشتغال نزد باشگاه دیگر بررسی کرد^{۱۱}

۵-۱-۵ پرونده کارلوس کوربران و الاتحاد^{۱۲}

در این پرونده کارلوس کوربران دستیار مربی باشگاه الاتحاد بود، باشگاه ادعا کرد که او تعهد کرده است بعد از پایان همکاری، برای باشگاه دیگری در عربستان کار نکند. SAC بررسی کرد که آیا واقعاً چنین تعهدی در قرارداد وجود داشته است یا خیر، با وجود ادعای باشگاه، در قرارداد مقرر شده بود که مربی صرفاً برای باشگاه کار کند، مگر اینکه باشگاه اجازه دهد یا مقررات FFAS اقتضا کند. SAC بررسی کرد که این عبارت فقط مربوط به دوران اجرای قرارداد است یا بعد از پایان آن نیز ادامه دارد؟! استدلال دیوان داوری ورزش این بود که این شرط، مربوط به دوره اشتغال مربی بوده است. و باشگاه نتوانسته بود مدرکی ارائه کند که نشان دهد مربی چنین تعهدی داده است. هیئت داوری در بندهای ۶۳، ۶۶ و ۶۷ رأی به نکات مهمی اشاره کرد که مربی قرارداد استخدامی، شرط عدم رقابت یا محدودیت تجارت قابل اعمال پس از خاتمه قرارداد نداشت. و بندی که همکاری انحصاری مربی با باشگاه را مقرر می‌کرد، مربوط به مدت قرارداد استخدامی بود. توافق خاتمه قرارداد نیز تعهد مشابهی نداشت؛ بنابراین مبنایی برای ادامه محدودیت پس از خاتمه قرارداد احراز نشد همچنین SAC به یک نکته بسیار مهم دیگر هم اشاره کرد: اینکه مشخص نبود این محدودیت دقیقاً برای چه مدت ادامه دارد و نقض آن چه پیامدی خواهد داشت این رأی برای پشتیبانی از دو استدلال مفید می‌باشد. یکی از نظر اینکه شرط انحصار در طول قرارداد، به خودی خود ممنوعیت همکاری پس از خاتمه قرارداد را ایجاد نمی‌کند. و همچنین اگر طرفین در توافق خاتمه همکاری شرط عدم رقابت را تکرار نکرده باشند، صرف وجود تعهد انحصاری در قرارداد قبلی لزوماً برای ادامه آن کافی نیست. با این حال، رأی مزبور به معنای ممنوعیت مطلق شروط عدم رقابت نیست؛ همچنین مستقیماً اعتبار یک شرط عدم رقابت در قرارداد شراکت تجاری را تعیین نمی‌کند. بنابراین نمی‌توانست آن را به عنوان یک محدودیت پس از قرارداد بر اشتغال مربی تفسیر کرد.^{۱۳}

۶- نتیجه گیری

پیوند توافق عدم رقابت با روابط دیگر انکارناپذیر است و هیچ شخصی به صورت ابتدایی حق ندارد مانع رقابت دیگران با خود شود، زیرا این امر با بنیان‌های تجارت آزاد منافات داشته و مجال رشد فضای رقابتی را نیز سلب می‌کند. مشروعیت شرط عدم رقابت باید متکی به ضرورت حفاظت از منافع خاصی باشد.

در خصوص شرط عدم رقابت در حقوق ورزش، تمامی جوانب مشروع و معقول این شرط باید رعایت و در نظر گرفته شود زیرا باشگاه، بازیکن یا فدراسیون زیر بار محدودیت‌های غیر متعارف نمی‌روند و از طرفی فشار غیرقانونی را نیز تحمل نمی‌کنند لذا همواره تأمل در اوضاع و احوال خاص حاکم بر هر قضیه است که معقولیت تضییقات مزبور را تأیید یا نفی می‌کند. اقتضای عدالت ایجاب می‌کند که

¹⁰ Restraint of trade

¹¹ CAS/2021/A/8053

¹² Al Ittihad Club v. Carlos Corberan & Al Nassr Riyadh

¹³ CAS 2015/A/3951

طرفین یک قرارداد، ایفای تعهدات خویش را منوط به ایفای تعهد طرف مقابل نموده و ابزاری چون حق فسخ یا حق مطالبه خسارت را به عنوان ضمانت اجرا برای شخص زیان دیده از این قراردادها در نظر بگیرند. در قراردادهای ورزشی اشخاصی که به دنبال سودهای کلان از ورزش هستند می بایست مسئولیت های آن را نیز بپذیرند.

با گذر از این شرایط خاص نمی توان انکار کرد که ملاحظات مربوط به منافع عمومی خود قرینه ای است بر عدم اعتبار شرط عدم رقابت در قراردادهای ورزشی؛ چرا که پر رنگ ترین مسئله در ورزش به خصوص فوتبال، سن بازیکن است و ورزشکاران حرفه ای در دوره اوج خویش، در کانون توجه باشگاه ها و طرفداران قرار می گیرند. طبعاً مسیر درخشش ایشان از قراردادهای نقل و انتقال به تیم های دیگر گذر می کند، که اگر برای هر قرارداد باشگاه با اعمال شرط عدم رقابت به دنبال حفظ منافع خویش باشد، آنچه برای بازیکن حرفه ای در مهمترین لحظات عمر ورزشی خویش باقی می ماند، رکود مالی، از دست دادن قوای فیزیکی و از همه مهم تر از دست دادن انگیزه می شود. بنابر این نحوه ی پایان بخشیدن به ترتیبات قراردادی یا حتی استخدامی به طور خاص در ورزش، نباید به گونه ای باشد که شرط عدم رقابت فرصت سوء استفاده کارفرما را از موقعیت برتر خویش فراهم آورد؛ و دقیقاً همین موضوع، مشروعیت شرط عدم رقابت را به نحو جدی محل تردید قرار می دهد.

آنچه در خصوص اعتبار و کارکرد شرط عدم رقابت در نظام های مختلف حقوقی برای پاسخ به پرسش این پژوهش بحث گردید قطعاً در پر کردن خلأها و تبیین ابهامات گسترده در نتیجه فقدان مقررات خاص در این زمینه موثر است. در این راستا، فدراسیون های ورزشی ایران و سایر کشورها به منظور جلوگیری از انعقاد قراردادهای غیر استاندارد و طرح دعاوی متعدد در ارکان انضباطی و ورود ضررهای غیر متعارف، باید از طریق تشکیل کارگروهی از اشخاص متخصص در حوزه قراردادهای ورزشی نسبت به تنظیم مقررات تخصصی در زمینه الزامات لازم در قراردادهای ورزشی مربوطه، محدودیت های لازم و رعایت تعهدات طرفین اقدام نمایند. همچنین ایجاد مقررات لازم و متناسب و معقول برای استفاده از شرط عدم رقابت در قراردادهای ورزشی، با بهره گرفتن از تحولات شرط عدم رقابت در حقوق کار و تجارت، بدون ایجاد محدودیت های آزاردهنده و تحمیلی برای طرفین قرارداد که باعث از بین رفتن فرصت های ایشان خصوصاً بازیکن حرفه ای نشود، ضروری است. با این حال در صورت اعمال شرط عدم رقابت در قراردادهای ورزشی، باید هزینه ای معقول برای متعهد در نظر گرفته شود که جبران کننده ی محدودیت بازیکن برای آن بازه ای که حداقل فعالیت ایشان را در بر می گیرد و باعث طی شدن مدت معینی می شود که ممکن است راکد بودن موقعیت را نتیجه دهد، باشد.

در زمینه ی حقوق ورزش و این نوع قراردادهای ورزشی اعمال شرط عدم رقابت به سختی و تا حدودی غیرممکن است و با وحدت ملاک از تمامی مقررات مذکور و عرف حاضر امکان ایجاد شرط عدم رقابت در قراردادهای ورزشی و حقوق ورزش در تمامی سطوح داخلی و بین المللی با ریسک بالا و در اکثر مواقع با عدم امکان مواجه می باشد، مگر با تاکید بر جبران ابعاد مالی و تامین منافع لازم برای متعهد به شرط عدم رقابت، که طرفین را به توازن منفعت برساند.

منابع فارسی

کتاب ها

- اسکو، وحید و شجاعی، میثم؛ ورزش یک تفریح یا یک صنعت پر سود، گنبد کاووس، ۱۳۹۴.
- اصغریان، مجتبی و سربها، جواد؛ قراردادهای فوتبالی از منظر مقررات فیفا و فدراسیون فوتبال ایران، تهران: انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۹.
- پاسبان، محمدحسین؛ حقوق شرکت های تجاری، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- وکیل، امیر ساعد؛ حقوق بین الملل ورزش، تهران: انتشارات خرسندی، بازچاپ، ۱۴۰۲.
- شهیدی، مهدی؛ سقوط تعهدات، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم، جلد ۱، ۱۳۸۲.

- قاسم‌زاده، سید مرتضی؛ مبانی مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی، عقود معین، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد ۱، ۱۳۹۸.
- میرعباسی، سید باقر و سادات میدانی، حسین؛ حقوق بین‌الملل ورزشی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- رهبری، منصور؛ حقوق رقابت: مبانی و رویه‌ها در حقوق ایران و ایالات متحده، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
- وکیل، امیرساعتد؛ حقوق جامع ورزش، تهران: انتشارات مجد، ۱۴۰۲.
- وکیل، امیرساعتد و مظهری، مریم؛ حقوق فوتبال در آیینه آرای فیفا و دیوان داوری ورزش، تهران: نشر دادگستر، ۱۴۰۱.

مقالات

- جنیدی، لعلیا و اکبریان طبری، فهیمه؛ تعهد امانی مدیران...، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹، ۱۳۹۷.
- حیدرزاده، طاهر و حاجی مینه، رحمت؛ روند عضویت ایران در...WTO، پژوهشنامه حقوقی، شماره ۴۸، ۱۳۹۸.
- دافچاهی، مهیار؛ بررسی شرط عدم رقابت...، دانشکده علوم سیاسی و حقوق، شماره ۳۲، ۱۴۰۲.
- رهبری، ابراهیم و کاظمی آهوئی، نجمه؛ انحلال و تعدیل قرارداد عدم رقابت، نشریه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- رهبری، ابراهیم و کاظمی آهوئی، نجمه؛ تحلیل اعتبار شرط عدم رقابت...، پژوهشنامه حقوقی، شماره ۶۵، ۱۳۹۳.
- رهبری، ابراهیم؛ جایگاه و اعتبار رقابتی توافق عدم رقابت...، مجله حقوق تطبیقی، شماره ۴، ۱۳۹۷.
- وکیل، امیر ساعد و مظهری، فرزاد؛ اقاله و فسخ قرارداد بازیکنان...، فصلنامه حقوقی شماره ۹۹، ۱۴۰۱.
- سربها، سید محمدجواد؛ کلیات قرارداد فوتبال...، فصلنامه حقوق ورزشی، شماره ۱۶، ۱۳۹۹.
- سربها و اصغریان؛ قراردادهای فوتبال از منظر مقررات فیفا...، پژوهشنامه حقوقی، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- شهیدی، مهدی؛ قرارداد عدم رقابت، مجله حقوقی، شماره ۲۹، ۱۳۸۱.
- صادقی، محسن و دیندار، مرتضی؛ رفتار هماهنگ در حقوق رقابت، مقاله پژوهشی، شماره ۱۱۱، ۱۴۰۱.
- صفری اسفنجانی و گل پیرا؛ قواعد حاکم بر قرارداد جوینت ونچر...، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۲۱، ۱۴۰۰.
- عباسیان، پیمان؛ حقوق ورزشی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۱۶، ۱۴۰۰.
- مقدم، عیسی؛ مطالعه تطبیقی رقابت مدیر شرکت با شرکت...، فصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۱، ۱۴۰۰.
- نوروززاده، بهنام؛ بررسی تعهدات طرفین در قراردادهای...، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، شماره ۲، ۱۴۰۳.

قوانین و مقررات داخلی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
- آیین‌نامه نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال ایران.

منابع انگلیسی

(Books)

- Friedman, Thomas.(1976).; The World is Flat.
- Lewis &Adam& Taylor,Sport.(2021).: Law and Practice,4th ed,london,Bloomsbury.

-Monti,& Giorgio, (2007). EC Competition Law,Cambridge University Press.

(Articles / Journal Papers)

- Pengilley, Warren (1994); Sporting Drafts and Restraint, Queensland University of Technology Law Journal 10.
- Friedman, R. (1976); The International Charter of Physical Education and Sport..., Journal of International Law & Policy.

(International Instruments & Regulations)

- Equality Act (2010); (UK Law)
- FIFA Regulations (RSTP); Edition 2023/2024.
- The Olympic Charter; 2023.
- Treaty of Amsterdam; 1997/1999.
- Universal Declaration of Human Rights (UDHR); 1948.

(Case Law)

- CAS 2008/A/1644: Adrian Mutu v. Chelsea FC.
- CAS 2018/A: Claudio Ranieri v. FC Nantes.
- Premier League Arbitration (2007): Gabriel Heinze v. Manchester United.
- CAS 2005/A/983 & 984: Peñarol v. PSG.
- CAS/2021/A/8053
- CAS 2015/A/3951

(Websites)

-<http://www.tas-cas.org>

-/ <http://www.fifa.com>